

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث در مورد کلام مرحوم امام خمینی بود؛ ایشان فرمود هر سیره ای را اگر بخواهیم به حساب شارع بگذاریم باید آن سیره را شارع امضاء کند و ما نسبت به پذیرش قول لغوی نمی دانیم سیره ی بوده یا نه؟ ما نسبت به چنین سیره ی شک داریم و نتیجه هم تابع اخس مقدمتین است و لذا چنین سیره ی احراز نمی شود. مرحوم امام: هر سیره ای نیاز به تقریر یا تأیید معصوم دارد. استاد علیدوست: کلام ایشان قابل مناقشه است. بیان مناقشه: ایشان کتابی به نام اجتهاد و تقلید دارد، در آن رساله همین بحث را در ارتباط با تقلید مطرح می کند و شخصی اشکال می کند: در زمان معصومین چنین سیره ی نبوده است که مردم به مجتهد رجوع بکنند و لذا بحث تقلید از سیره برداشت نمی شود.

مرحوم امام پاسخ می دهد:

اولاً: مراجعه به متخصص در همه رشته ها ضروری است و همانطور که در زندگی مادی به متخصص مراجعه می کنیم باید در زندگی معنوی هم مراجعه بکنیم؛ ائمه معصومین می دانستند که در آینده جریان تقلید را می افتد و مردم به مجتهدین رجوع می کنند و با این حال ائمه ردعی نکرده اند؛ گرچه قبول داریم مراجعه به مجتهد در زمان ائمه مثل امروز نبوده است. استاد علیدوست: شما که صاحب این سخن هستید اگر قبول کنید که مراجعه به لغوی وجود دارد و ائمه هم از این جریان خبر داشته اند پس ائمه این رجوع را ردع نکرده اند بلکه امضاء کرده اند و لذا شما باید سیره را بر حجیت قول لغوی بپذیرید. نکته: از نظر تاریخ حرف کتاب الاجتهاد والتقلید متاخر است و طبق روش پژوهش مورد پذیرش است. آیا معصومین نسبت به آینده هم تکلیف داشته اند مثلاً ائمه می دانستند 13 قرن بعد دمکراسی مطرح می شود؛ آیا اگر معصومین موافق نبوده اند باید این را ردع می کردند؟

این سوال با بحث‌های کلامی مرتبط است و ما در کتاب فقه و عرف 7 یا 8 صفحه ی توضیح داده ایم رجوع کنید.

مرحوم شیخ انصاری وقتی می خواهد معاطات را ردّ کند می فرماید از کجا معلوم که سیره زمان ائمه^ع بوده است و مردم صیغه نمی خواندند. از کسانی که در این صحنه حرف دارد مرحوم صدر است: ایشان تمایل به حجیت قول لغوی دارد البته شرایطی را مطرح می کند.

ایشان در ابتدا کلامش نظر مشهور را حجیت قول لغوی می داند و از ابتدا دو جهت برای بحث مطرح می کند:

1: شناخت معنای حقیقی از قول لغوی.

2: شناخت مورد استعمال.

بعد سخن اصولیین را می آورد که می گویند رجوع به لغوی برای شناخت معنای حقیقی فایده ای ندارد.

مرحوم صدر پاسخ می دهد: اولاً خیلی مواقع ما از قول لغوی معنای حقیقی را می فهمیم؛ چرا اینقدر نسبت به قول لغوی بی مهری می کنید؛ در 4 مورد قول لغوی فایده دارد:

1: اگر در یک جا مجتهد یقین دارد که واژه بیش از یک معنا ندارد اما در حدود معنا شک می کند و با نگاه به لغت حد معنا

معلوم می شود: مثلاً صعید دو معنا ندارد منتها حدّ آن معلوم نیست که آیا وجه الارض است یا الارض است؟

2: جایی که خود لغوی ها به انحصار معنا تصریح کنند مثلاً لغوی در مورد یک لغت بگوید اصل واحد... یعنی یک معنا دارد و بقیه معانی به این معنای اصل رجوع می کنند.

3: بعضی وقت ها قول لغوی این فایده را دارد که واژه را مجمل می کند مثلا ما فکر می کردیم واژه یک معنا دارد و آن هم معنای حقیقی اما وقتی به لغت رجوع کردیم فهمیدیم واژه چند معنا دارد. این هم از فواید رجوع به لغوی است.

4: بعضی وقت ها وقتی لغوی مورد استعمال را بگوید می فهمیم معنای حقیقی همین است. مثلا زائر به امام می گوید انا مولی ... یعنی من چاکر شما هستم؛ از این استعمال می فهمیم که یکی از معانی مولی چاکر و مرید است؛ از این استعمال می فهمیم که این معنا مجازی نیست چرا که باید در معنای مجازی یک علاقه داشته باشد و ما نتوانستیم علاقه را پیدا کنیم.

ایشان خود را در دو مورد با مرحوم آخوند درگیر می کند؛ مرحوم آخوند فرمود باید در غیر دعاوی از قول لغوی اطمینان حاصل شود.

مرحوم صدر: چه کسی گفته اطمینان لازم است، ما اگر به اطمینان هم نرسیم به قول خبره عمل می کنیم.

ثانیا: خود مرحوم آخوند در باب تقلید فرموده اگر اطمینان هم نیاید ما باید به مجتهد رجوع کنیم.

نکته: مرحوم آخوند فرمود چه بسا قول لغوی از باب شهادت باشد و شرایط شهادت در آن معتبر باشد. مرحوم صدر به این هم اشکال می گیرد.

الحمد لله رب العالمین